

# بررسی روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

دکتر محمدجعفر چمنکار<sup>۱</sup>

احمد عبادی نسب<sup>۲</sup>

## چکیده

## کلیدواژگان

خلیج فارس؛ ایران؛ قدرتهای فرامنطقه‌ای؛ انقلاب اسلامی؛ ترتیبات امنیتی

مناسبات ایران با کشورهای همسایه و قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای همواره به شکلهای مختلف به هم مرتبط بوده است. جایگاه و اهمیت منطقه خاورمیانه از جمله خلیج فارس، بخصوص در قرن بیستم، باعث تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل رخدادهای این منطقه با تحولات بزرگ جهانی و بین‌المللی بوده است. این مسائل سیاست خارجی ایران را با شرایط منحصر به فردی مواجه کرده و به تبع آن واکنشهایی را از طرف سایر کشورهای دارای منفعت منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای به همراه داشته است؛ علاوه بر آن، مناسبات برون مرزی، ایران را همواره با انبوهی از چالشها و تهدیدها مواجه کرده و اساس سیاستگذاری خارجی ایران را شکل داده است. پژوهش حاضر به بررسی اجمالی تاریخ تحولات مرتبط با سیاست برون مرزی ایران پرداخته است؛ علاوه بر آن با توجه به قرار گرفتن ایران در موقعیت جغرافیایی خاص خلیج فارس، بدنبال واکاوی نسبتاً عمیق تحولات و عواملیست که مناسبات ایران را با کشورهای پیرامونی خلیج فارس، بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل داده است. همچنین در این مسیر عوامل داخلی بین‌المللی و منطقه‌ای واگرایی و هم‌گرایی را، در مناسبات ایران با کشورهای مزبور، مورد توجه قرار داده است.

## مقدمه

خلیج فارس بسبب اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیکی که همواره دارد، در تحولات منطقه‌ای و جهانی از جایگاه فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. واقع شدن خلیج فارس در منطقه پرتنش خاورمیانه، برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و قرار گرفتن در شاهراه بین‌المللی، از عواملی هستند که این منطقه را، همواره در کانون توجه تحلیلگران مسائل سیاسی و بین‌المللی، قرار داده است.

ایران با وجود فراز و نشیبهای فراوان، بعنوان کشوری که بیشترین مرز ساحلی را با خلیج فارس دارد و از سویی بسبب سابقه طولانی در تحولات منطقه، یکی از تأثیرگذارترین قدرتهای دارای نفوذ، در این منطقه شناخته شده است. از نظر توان نظامی، ایران دارای بهترین شرایط در بین کشورهای ساحلی خلیج فارس است. حدود ۱۶/۵ درصد ذخایر نفت و ۴۵/۳ درصد ذخایر گاز طبیعی خلیج فارس، در اختیار ایران است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۵۹).

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه ارومیه

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

### نقش تاریخی ایران در خلیج فارس

در اختیار داشتن سواحل طولانی باعث تسلط ایرانیان، از روزگاران قدیم، بر آبهای خلیج فارس شده است. هر چند این فرمانروایی و تسلط همواره با فراز و نشیبهایی نیز مواجه بوده است. ایرانیان در زمان هخامنشیان، بویژه، در دوران **داریوش** به ایجاد نیروی دریایی گسترده اقدام کرده و از موقعیت راهبردی تنگه هرمز بهره‌های فراوان برده‌اند. اشکانیان نیز در امور دریانوردی رشد چشمگیری داشتند و بندرهای پررونقی در کرانه‌های جنوبی و شمالی خلیج فارس ایجاد کردند؛ بطوری که سکونت ایرانیان در مناطق جنوبی خلیج فارس گسترش یافت (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۷۹-۸۲).

ساسانیان نیز در گسترش دریانوردی مساعی زیادی بخرج دادند و یک خط کشتیرانی بین ایران و چین ایجاد کردند. از مهمترین تحولات نظامی در دوران ساسانیان، درخواست یمن برای کمک نظامی از ایران، بمنظور بیرون راندن حبشیان بود که لشکریان ایران برای سرکوب شورشیان در سواحل جنوب خلیج فارس و بیرون کردن حبشیان از یمن، به آنجا اعزام شدند و یمن را آزاد کردند؛ بدین ترتیب، یمن بخشی از خاک ایران شد (نورائی و شفایی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

با شکست ساسانیان از نیروهای اسلام، اعراب بر سرتاسر خلیج فارس و سواحل آن مسلط شدند، ولی پس از پایان کار خلفای اموی و عباسی و روی کار آمدن دولتهای ایرانی، عربها از سواحل شمالی به سواحل جنوبی عقب‌نشینی کردند. در طول تاریخ اسلامی، اینگونه جنگ و گریزها و رفت و آمدها، در دوسوی خلیج فارس وجود داشته است (نیک ضمیر و حجتی، ۱۳۸۲: ۲۴۴-۲۴۵).

بیرون راندن پرتغالیها از خلیج فارس به کمک انگلیسیها، در دوران **شاه عباس صفوی**، موجب تثبیت مجدد حاکمیت ایران بر آبهای خلیج فارس شد، اما بی‌کفایتی جانشین شاه عباس و متعاقب آن اشغال اصفهان توسط افغانها، زمینه بروز ناامنی در سراسر ایران و خلیج فارس را فراهم آورد (نورائی و شفایی: ۳۷). در زمان افشاریان نیز هر چند حاکمیت ایران بر خلیج فارس تثبیت شد، اما با قتل نادرشاه افشار، ایران

ایران بعد از عربستان، دومین کشور از نظر وسعت بشمار می‌رود و از، حیث نفوس هم، جمعیت ایران بیش از مجموع جمعیت سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس است، که این امر در برتری کیفی و کمی ایران، نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ علاوه بر این، وجود اشتراکات عمیق فرهنگی، قومی و در بعضی از موارد زبانی بین اهالی جنوب ایران و ساکنین خلیج فارس، زمینه تأثیرگذاری هرچه بیشتر ایران، بر آنان را در ابعاد فرهنگی، فراهم ساخته و موجب تقویت نقش امنیتی ایران در منطقه شده است.

ایران، با وجود دارا بودن پیشینه مذکور، هیچ‌گاه، از موضع برتری جویانه و مداخله‌گرانه در منطقه خلیج فارس استفاده ننموده است، بخصوص پس از استقلال بحرین و پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، ما شاهد هیچ‌گونه ادعای ارضی از طرف ایران در این منطقه نبوده‌ایم؛ حتی شعارهای انقلابی سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بدنبال تحقق وحدت اسلامی بود و در این شعارها، هرگز، ادعای ارضی و سایر اشکال تهدید در قبال همسایگان دیده نمی‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۴۳).

هرچند با پیروزی انقلاب اسلامی و اتخاذ رویکردی تجدیدنظرطلبانه در سیاست خارجی از سوی مقامات نظام و ایجاد تضاد منافع با برخی کشورهای همسایه و قدرتهای صاحب منفعت در منطقه، نقش ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، با چالش جدی مواجه شد.

ایران، بخصوص، از دهه ۱۹۷۰ و با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه و عدم تمایل آمریکا به حضور مستقیم نظامی تحت تأثیر «دکترین نیکسون» نقش کلیدی در تأمین امنیت منطقه داشت و این رویکرد تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. در این نوشتار پس از مروری بر رخدادهای تاریخی مرتبط با خلیج فارس، بدنبال بررسی چالشهایی خواهیم بود، که ایران در ایفای نقش امنیتی در خلیج فارس، با آن مواجه بوده است.

کشورهای ساحلی خلیج فارس از سرایت انقلاب اسلامی به کشورهای خود شده است.

از طرف دیگر وقوع انقلاب اسلامی، منافع آمریکا در منطقه را به چالش طلبید. ایران که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بعنوان جزیره ثبات و نگاهبان امنیت خلیج فارس و منافع آمریکا در منطقه تلقی می‌شد و نیز دومین تأمین‌کننده نفت به نسبت ارزان قیمت آمریکا و بزرگترین خریدار اسلحه نظامی از آمریکا و هم‌پیمان اسرائیل در جهان اسلام قلمداد می‌شد، از دایره تسلط آمریکا خارج شد؛ علاوه بر این، با تسخیر سفارت آمریکا در تهران، تحت عنوان «لانه جاسوسی»، یک بی‌اعتباری بین‌المللی برای آمریکا بوجود آمد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۴۳۵).

یافشاری جمهوری اسلامی ایران بر راهبرد عدم تعهد و سیاست «نه شرقی و نه غربی» و همچنین اعتقاد به لزوم تأمین امنیت خلیج فارس از طریق همکاری کشورهای ساحلی و نفی هر نوع دخالت خارجی (طارمی، ۱۳۸۵: ۹۵)، موجب بروز خلاء قدرت در خلیج فارس جهت تأمین منافع غرب شد و آمریکا برای رفع این خلاء، ناگزیر از حضور مستقیم در منطقه بود.

وقوع جنگ ایران و عراق بهانه خوبی بود تا آمریکا زمینه‌های تضعیف روابط ایران با کشورهای منطقه را از طریق ترغیب آنها، به پشتیبانی از عراق فراهم آورد. تجاوز عراق به ایران تبعات سنگینی برای ایران در برداشت و موجب آسیب دیدن زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی ایران شد.

قدرتهای شرق و غرب در تضعیف نظام نوپای ایران هم‌آوا بودند. روابط ایران با اکثر کشورهای عرب و کشورهای ساحلی خلیج فارس رو به تیرگی هرچه بیشتر می‌رفت؛ بطوری که اتحاد بین آمریکا و عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران را در تنگنای شدیدی قرار داده بود. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمک‌های زیادی در طول جنگ در اختیار عراق قرار دادند. هرچند مقارن با پایان جنگ، تلاشهایی، برای کاهش تنش در روابط متقابل و اتخاذ سیاستی مبنی بر رفع آن، از جانب طرفین انجام شد (همان: ۱۰۱-۱۰۵).

دچار هرج و مرج و جغرافیای سیاسی ایران، دچار دگرگونی اساسی گردید (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۸۵) و بتدریج نفوذ ایران در خلیج فارس کم‌رنگ شد. در این مقطع از زمان، با مهاجرت اقوام عرب به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، شیخ‌نشینهای جنوبی خلیج فارس بوجود آمدند. از دیگر مسائلی که مانع نفوذ ایران در خلیج فارس بود، گسترش نفوذ و تسلط انگلستان در خلیج فارس به بهانه مبارزه با دزدان دریایی بود، که موجبات توسعه گسترده و طولانی مدت حضور انگلیسیها، در منطقه را بهمراه داشت.

اما بدنبال خروج انگلیسیها از منطقه (در سال ۱۹۷۱م / ۱۳۴۹ ش) مطابق طرح ویلسون، نخست وزیر وقت انگلیس، نفوذ ایران به منطقه خلیج فارس گسترش یافت؛ چنانکه در دهه ۱۹۷۰ بعنوان یکی از پایه‌های نظام دو ستونی مدنظر ایالات متحده، نقش خود را بخوبی ایفا کرد. ولی با پیروزی انقلاب اسلامی حضور ایران در ترتیبات سیاسی و امنیتی خلیج فارس با چالشها و موانع جدی مواجه شد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۳۲۷-۳۲۸).

### انقلاب اسلامی و تغییر موقعیت ایران در خلیج فارس

ایران که تا پیروزی انقلاب اسلامی، بعنوان یکی از متحدین اصلی آمریکا و ژاندارم منطقه در قالب دکترین نیکسون حافظ اصلی منافع آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه بشمار می‌رفت، با پیروزی انقلاب اسلامی به یک کنشگر انقلابی و تجدیدنظر طلب، در مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای، تبدیل شد. بدنبال آن تنشها و اختلافاتی بین ایران و کشورهای ساحلی خلیج فارس و قدرتهای جهانی مداخله‌گر در تحولات منطقه روی داد که موقعیت استراتژیک ایران، در ترتیبات امنیتی منطقه را با چالش جدی روبرو کرد. از طرفی حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش؛ رویکرد غرب‌ستیزانه در سیاست خارجی؛ تأکید بر وحدت و اتحاد جهانی اسلام و مبارزه با ظلم و نفس سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، در سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی، از جمله رویکردهای ایران در سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی بوده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این اصول تأکید شده است (محمدی، ۱۳۸۳: ۴۲۹) و این موضوع، خود، باعث ترس و نگرانی

این اجلاس زمینه مناسبی را، برای گفتگوهای ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، درباره مسائل دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرد. همچنین، در این اجلاس، دیدارهایی بین سران ایران و کشورهای مختلف از جمله ولیعهد عربستان صورت گرفت. خاتمی در طول دوران ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۰۰م / ۱۳۷۸ش، به قطر و عربستان مسافرت کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۵۹-۴۶۱). گفتگوهای رسمی نیز بین مقامات بلندپایه ایران و بحرین؛ عراق؛ عربستان سعودی و امارات متحده انجام شد. در بیان سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ایده «لزوم برقراری روابط حسنه، با جمهوری اسلامی ایران، بر پایه حسن همجواری و احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی»، به صراحت اعلام شد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۶).

باید توجه داشت، بهبود نسبی مناسبات بین ایران و غرب در طول دوران زمامداری خاتمی، نقش مهمی در بهبود روابط ایران و با کشورهای عضو و شورای همکاری داشت (آبراهامیان: ۴۳۱-۴۳۲).

با روی کار آمدن دولت اصولگرایی محمود احمدی‌نژاد، در سال ۲۰۰۶م / ۱۳۸۴ش، برغم تغییرات گسترده در برخی از جهت‌گیریهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نظیر پرونده هسته‌ای و رابطه با غرب، نزدیکی و همگرایی با کشورهای اسلامی، بخصوص کشورهای حوزه خلیج فارس، همچنان جزء اولویتهای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی بشمار می‌رفت. احمدی‌نژاد نزدیکی و تنش‌زدایی با کشورهای عرب را، از رئوس سیاست خارجی خود اعلام کرد؛ همچنین وی در اولین کنفرانس خبری، پس از پیروزی، در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، خلیج فارس را «خلیج صلح و عدالت» نامید و خواستار تداوم صلح و دوستی، بین کشورهای ساحلی، برای دفاع از منافع آنها شد (حافظیان، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۵).

احمدی‌نژاد بعنوان اولین رئیس جمهوری ایران، در طی بیست و شش سال از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۷م / ۱۳۸۵ش، در اجلاس سران، که در دوحه قطر برگزار شد، حضور یافت. وی در این اجلاس خواستار صلح و

با آغاز دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و اتخاذ رویکرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وارد مرحله نوینی شد. وجود نگرش آشتی‌جویانه نسبت به کشورهای ساحلی خلیج فارس، از سوی ایران، بعنوان راهی برای مهار سرکشیهای اجتماعی عراق تلقی می‌شد. روابط سیاسی ایران و عربستان که در اثر فجایع خونبار ناشی از کشتار حجاج ایرانی (۱۹۸۷م / ۱۳۶۵ش) قطع شده بود، دوباره برقرار شد. رابطه ایران و کویت هم که بر اثر پشتیبانی بی‌چون و چرای کویت، از عراق در طول جنگ قطع شده بود، مجدداً برقرار شد. در زمان حمله عراق به کویت (۱۹۹۰م / ۱۳۶۸ش) ایران این اقدام را محکوم کرد و خواستار عقب‌نشینی فوری این کشور از مناطق اشغالی شد.

در واقع هدف ایران، بهبود روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بود. در این میان دیدارهایی بین سران ایران و کشورهای عضو شورا صورت گرفت. رابطه ایران با امارات متحده عربی که در زمان جنگ برقرار بود، نیز گسترش بیشتری یافت. روابط دوجانبه با بحرین و قطر هم در زمینه‌های مختلف، توسعه پیدا کرد. عمان و ایران نیز مبادرت به گسترش روابط متقابل نمودند. هرچند اختلاف‌نظرهای اساسی همچنان بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری باقی مانده بود، مانند اختلاف نظر با عربستان سعودی، در زمینه‌هایی چون حضور نیروهای نظامی آمریکا و حمایت از فرآیند صلح اعراب و اسرائیل؛ همچنین اختلاف با بحرین، بر سر حمایت از معارضات شیعه و اختلاف با امارات بر سر جزایر سه‌گانه (رمضانی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲: ۳۹۹).

فرآیند گسترش مناسبات دیپلماتیک ایران با کشورهای مختلف، در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، در پرتو نظریه «گفتگوی تمدنها» و سیاست تنش‌زدایی با شدت بیشتری پیگیری شد که می‌توان به تشکیل «هشتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی»، به میزبانی ایران در تهران در سال ۱۹۹۸م / ۱۳۷۶ش اشاره کرد.

3. Ramezani

ائتلاف از عراق، که بوسیله آمریکا هدایت می‌شوند، تأکید کرد. ایران معتقد است، که آمریکا از مباحث هسته‌ای ایران، برای توجیه حضور طولانی‌مدت نظامی خود، در منطقه استفاده می‌کند.

استنباط می‌شود که آمریکا مایل است از افزایش قدرت کشورهای منطقه در بدست آوردن وضعیتی که بتواند در جریان نخست، غرب را با مشکل مواجه کند، جلوگیری کند. آمریکا با اتکاء به راهبردهای دوجانبه و اعمال تحریمهای اقتصادی، سعی در کنترل ایران می‌نماید. ایران نیز همواره به دنبال کاهش تأثیر تحریمها بوده است و هرگونه تلاش دسته جمعی منطقه‌ای برای انزوای خود را خنثی می‌کند. ایران بارها بر لزوم ایجاد یک سامانه امنیتی، با مشارکت تمام کشورهای منطقه خلیج فارس و عاری از هر نوع دخالت خارجی تأکید کرده است.

۶. فعالیتهای اقتصادی بین کشورهای منطقه نباید تحت تأثیر مسائل سیاسی قرار بگیرد؛ به طور مثال، برغم اختلاف بین ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه، بین دو کشور پیمانهای اقتصادی بطور دوستانه وجود دارد. جمعیت کثیری از ایرانیان در دوبی (امارات متحده عربی) فعالیت می‌کنند. در سال ۲۰۰۱م ۱۳۷۹ش ایران و عربستان سعودی یک توافقنامه امنیتی، در راستای مبارزه با تروریسم و انتقال موادمخدر و نیز مبارزه با سازمانهای بین‌المللی، امضاء کردند.

۷. در برقراری امنیت خلیج فارس، کشورهای منطقه مسئولند، نه دولتهای خارجی. مانع عمده در بهبود محیط امنیتی خلیج فارس، بحران در رابطه دوجانبه ایران با آمریکا است؛ بطوری که بی‌اعتمادی بین این دو متحد سابق، همچنان ادامه دارد.

۸. تضمین حمایت از محیط زیست خلیج فارس که دارای منابع آبی، آبیان و مرورید است. آلودگی آب خلیج فارس ناشی از نشست نفت از تانکرهای سنگین، فعالیتهای روزمره تانکرها، پاکسازی موانع ناوهای جنگی و کشتیهای تجاری دیگر و در نهایت درگیری غیرمنتظره نیروهای نظامی خارجی در منطقه است.

امنیت برای منطقه، به دور از هر نوع مداخله خارجی شد و پیشنهاد برقراری پیمانها و نهادهای امنیتی و اقتصادی را در میان این هفت دولت، برای خدمت به مردم منطقه و برقراری و صلح و شکوفایی مطرح کرد (همان: ۱۳).

با این حال، بیانیه پایانی این نشست، نتوانست انتظارات آنها را بطور کامل برآورده کند؛ باید توجه داشته باشیم، که در طول سنوات اخیر وجود بحران در روابط ایران و آمریکا، به سبب مداخله گسترده این دولت در منطقه، باعث تداوم نابسامانیها در تثبیت یک نظام همکاری دسته جمعی، بین کشورهای ساحلی خلیج فارس و در حوزههای امنیتی و اقتصادی شده است.

بطور کلی، از طریق مطالعه بیانیهها و موضع گیریهای مقامات ایران در مورد تحولات مختلف منطقه‌ای، می‌توان به اهداف و اولویتهای ایران، در منطقه خلیج فارس پی برد. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. دستیابی آزاد و امن به آبراههای بین‌المللی، برای سهولت در روابط تجاری ایران، یکی از اهداف مهم تلقی می‌شود.
  ۲. امنیت مرزهای جنوبی و قلمرو نظامی-دفاعی، بر تنگه هرمز، باید تضمین شود.
  ۳. مبارزه با تروریسم از دیگر اهداف جمهوری اسلامی ایران، در منطقه خلیج فارس است.
  ۴. کنترل و مبارزه با قاچاق کالا و انسان که شامل همه انواع تجارت غیرقانونی تسلیحات؛ مواد مخدر؛ بخصوص، جنبه‌های نامناسب تجارت منطقه‌ای قاچاق انسان ...، که بارها، حکومت مردم و رسانه‌های ایران درباره خطرات این گونه فعالیتها، که سود آن فقط عاید قاچاقچیان می‌شود و زنان و دختران قربانی خشمگین آن هستند، هشدار داده‌اند.
  ۵. ایران بطور منظم، خواستار انتقال نیروهای خارجی از منطقه و عدم مداخله قدرتهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس می‌باشد.
- احمدی‌نژاد به لزوم عقب‌نشینی فوری نیروهای



## ایران و شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس با شرکت شش کشور عربستان سعودی؛ کویت؛ بحرین؛ امارات متحده عربی؛ قطر و عمان در سال ۱۹۸۱ م/ ۱۳۵۹ ش، بدنبال نگرانی از گسترش جنگ ایران و عراق به منطقه، تجاوز شوروی به افغانستان و گسترش انقلاب اسلامی ایران بوجود آمد (هرزنگ<sup>۵</sup>، بی تا)؛ اگرچه پیش‌زمینه تشکیل چنین شورایی، با حضور ایران در دهه ۱۹۷۰ وجود داشت، اما بدلیل بدبینی برخی از کشورهای عربی نسبت به ایران، این شورا تشکیل نشد. در واقع این شورا بعنوان سدی در برابر نفوذ ایران؛ زیاده‌خواهیهای صدام و نیز گسترش اسلام سیاسی تأسیس شد (اسدی، ۱۳۷۳: ۴۶۴).

اگرچه شورا در ابتدا یک پیمان امنیتی بشمار نمی‌رفت و بیشتر دارای ابعاد اقتصادی و فرهنگی بود، ولی بدنبال تحولات منطقه‌ای در سالهای دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م، از جمله، اشغال کویت توسط عراق، مسائل امنیتی مورد توجه این شورا قرار گرفت؛ بطوری که متعاقب اجلاس سران در سال ۱۳۶۱/۱۹۸۳ ش مقرر شد یک نیروی نظامی مشترک با نام «سپر جزیره» تشکیل شود (شهابی، ۱۳۸۶: ۱۵۴).

رابطه ایران با کشورهای عضو شورا، از همان ابتدا، فراز و نشیبهای زیادی را طی نموده‌است. در زمان تجاوز عراق به ایران کشورهای عضو شورا کمکه‌های همه‌جانبه‌ای در زمینه‌های مالی؛ اطلاعاتی؛ سیاسی و ترابری در اختیار رژیم صدام قرار دادند. پایگاههای زمینی، از جمله جزایر بومیان کویت، جهت استفاده هواپیماها و هلیکوپترهای نظامی عراق، برای حمله به تأسیسات اقتصادی ایران در اختیار آن کشور قرار داده شد. با این اوصاف، در مقاطعی از جنگ تحمیلی، بخصوص، پس از آزادسازی خرمشهر توسط ایران، سیاست کشورهای عضو شورا، دستخوش تغییراتی گردید، اما بطور کلی در طول دهه ۱۹۸۰ م جو تنش آلودی در مناسبات ایران و اکثر کشورهای عضو شورا حاکم بود.

قطع رابطه ایران و عربستان پس از کشتار حجاج ایرانی

۹. همه کشورهای خلیج فارس در غیرنظامی کردن خلیج فارس و ایجاد خلیج فارس بعنوان منطقه‌ای آزاد از تسلیحات هسته‌ای مسئولیت دارند که بعنوان اولین گام باید در ایجاد یک منطقه صلح‌آمیز، دست به خلع سلاح منطقه‌ای بزنند.

۱۰. پیشنهاد ایجاد یک سامانه جدید امنیتی که در آن تأثیر قدرتهای بزرگ و سایر دولتهای فرامنطقه‌ای کاهش بیابد. در این راستا ایران با طرح ۲+۶ که شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر و سوریه با هم منعقد کردند، به فعالیت برخاست (لطفیان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۱۳۷-۱۴۲).

هرچند با اتخاذ سیاستهای تنش‌زدایی، از سوی جمهوری اسلامی ایران، پس از پایان جنگ تحمیلی سوءتفاهمات موجود، تا حدی برطرف شده‌است، اما هنوز اختلافاتی در برخی مسائل بین آنها وجود دارد، از جمله می‌توان به مسئله حضور بیگانگان در خلیج فارس اشاره کرد. این موضوع باعث شده‌است که دیدگاههای امنیتی جمهوری اسلامی نه تنها مورد قبول کشورهای منطقه واقع نشود، بلکه موجب شد که جمهوری اسلامی ایران از حضور در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کنار گذاشته شود.

## ایران و ترتیبات امنیتی خلیج فارس

از نظر ایران، تحقق امنیت پایدار در خلیج فارس، با مساعی جمعی کشورهای منطقه میسر است و هرگونه دخالت خارجی نه تنها کمکی به تأمین امنیت منطقه نخواهد کرد، بلکه به وخامت اوضاع منطقه نیز منجر خواهد شد؛ چرا که قدرتهای فرامنطقه‌ای بدنبال پیگیری منافع خود هستند. همین نگرش، سبب ایجاد اصطکاک بین مواضع ایران و کشورهای همسایه از یک سو و ایران و قدرتهای فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه از سوی دیگر، شده و همچنین موجب تلاش کشورهای ساحلی و قدرتهای مداخله‌گر، برای به‌حاشیه راندن ایران از مناسبات امنیتی مربوط به منطقه، شده‌است.

5. Herzong Serge "Armsoil and Security in the Golf :A Tenuous ba lance ST. Martins Press Inc New York N.Y" Chonge and Development the Golf.

4. Lotfian Saeideh

مسالمت‌آمیز جنگ و نیز اثبات عدم کارایی و ناتوانی آن شورا در حل منازعات مهم منطقه‌ای، کشورهای عضو شورا، به کمک آمریکا بدنبال ایجاد جایگزینی برای آن بودند، که حضور سوریه و مصر در «ائتلاف بین‌المللی علیه عراق»، این کار را آسان کرد. در اجلاسی در سال ۱۹۹۱م/۱۳۶۹ش در دمشق، «طرح امنیتی ۲+۶» که اعضای آن شامل شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌اضافه مصر و سوریه بود، اعلام گردید (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۴۷۸). انعقاد این معاهده مقارن با تلاش ایران برای بهبود مناسبات خود با کشورهای منطقه خلیج فارس بود و روابط هم تا حد زیادی گسترش یافته بود؛ حتی ایالات متحده نیز اتخاذ هر نوع طرح امنیتی در منطقه را بدون حضور ایران غیرممکن ارزیابی می‌کرد؛ بطوری که جیمز بیکر، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در کمیته «روابط خارجی مجلس سنا» در هفتم فوریه ۱۹۹۱م منطبق با هجدهم بهمن ۱۳۶۸ش اعلام کرد، که هیچ کشوری نباید از ترتیبات امنیتی منطقه حذف شود و ایران بعد از جنگ عراق می‌تواند بعنوان یک قدرت عمده در منطقه ایفای نقش کند. همچنین برخی از دولت‌های منطقه نیز بر حضور ایران در ترتیبات منطقه‌ای اذعان دارند (رضانی: ۴۰۳). اما با تمام این توصیفات ایران در ترتیبات جدید منطقه‌ای اتخاذ شده بوسیله قدرتهای بزرگ جایی پیدا نکرد. هرچند این طرح مصر و سوریه را بعنوان بازیگران فرمانطقه‌ای وارد معادلات منطقه‌ای کرده بود، ولی بدلیل در نظر نگرفتن واقعیات جغرافیایی منطقه‌ای و عدم قبول ایران از جانب اعضا، بعنوان «قدرت برتر منطقه»، طرح با شکست روبرو شد (اسدی، ۱۳۷۳: ۳۶۷).

بعد از شکست این طرح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، با توجه به نگرانیهای امنیتی، که بر اثر تجاوز عراق به کویت در آنها بوجود آمده بود، در طول دهه ۱۹۹۰م مبادرت به انعقاد قراردادهای نظامی و دفاعی دوجانبه با آمریکا کردند. آمریکا نیز به قدرت برتر منطقه و ضامن امنیت کشورهای منطقه تبدیل گردید، که این امر مغایر با دیدگاههای ایران، بمنظور استقرار امنیت پایدار در منطقه، بدون حضور نیروهای بیگانه بود.

روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس،

بیت‌الله الحرام، در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۵ش، توسط نظامیان سعودی، مهمترین رخداد در این سالها بود (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۱۱۶). کشورهای عضو شورا، که در ابتدا مبادرت به پشتیبانی همه جانبه از عراق در جنگ با ایران نمودند، پس از فتح خرمشهر و جنگ نفتکشها بخاطر ترس از گسترش جنگ، تلاشهای منطقه‌ای و بین‌المللی خود را برای خاتمه جنگ انجام دادند. در واقع سیاست شورا، در این مقطع تضعیف هر دو کشور بود؛ زیرا پیروزی هر کدام از طرفین موجب بهم خوردن موازنه قدرت در منطقه و در نتیجه، تسلط پیروز جنگ بر منطقه می‌شد (همان: ۱۷۷-۱۸۲).

ایران پس از پایان جنگ و پذیرش «قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت» تلاشهای گسترده‌ای برای بهبود روابط با کشورهای شورای همکاری انجام داد، اما هنوز مسائلی مانند ادعای امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه و مسئله هسته‌ای ایران، مانع از حل و فصل اختلافات بطور کامل، بین طرفین می‌گردید. شورای همکاری خلیج فارس از ادعای امارات نسبت به جزایر ابوموسی؛ تنب بزرگ و تنب کوچک حمایت می‌کند؛ بطوری که در تمامی اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس بخصوص، در قطعنامه‌های پایانی، مسئله جزایر و لزوم تخلیه آنها از سوی ایران، مطرح می‌شود و زمینه‌های تشدیدکننده بی‌اعتمادی بین ایران و اعضای شورای همکاری نیز وجود دارد. نگرانی از گسترش جنبشهای اسلامی رهایی‌بخش در منطقه به‌تبع پیروزی انقلاب اسلامی و رواج شعارهای آرمان‌گرایانه، از جمله عوامل تشدید بی‌اعتمادی بین طرفین بوده‌است. بدین سبب ایران هیچگاه به‌عضویت شورا در نیامده و برغم تحولات فراوان در روابط متقابل، اختلافات بین دو طرف، همچنان پابرجاست. بنابراین با توجه به همسایگی ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و با توجه به اینکه سواحل شمالی خلیج فارس کاملاً در اختیار ایران می‌باشد، اتخاذ هر نوع سامانه امنیتی پایدار، برای تضمین ثبات منطقه خلیج فارس، بدون حضور ایران امکان‌پذیر نخواهد بود.

#### موضع ایران درباره «اطلاعیه ۲+۶ دمشق»

بعد از اشغال کویت توسط عراق، در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۸ش و ناتوانی شورای همکاری خلیج فارس در حل اختلاف و خاتمه

مصر و تونس نیز شده است. فعال شدن جنبشهای مدنی مخالف حضور بیگانگان در جوامع انقلابی، بسبب آزادیهای ایجادشده، همگی حکایت از گسترش چشمگیر اسلام سیاسی، بعنوان یک الگوی مورد پذیرش در بین نیروهای مبارز منطقه از یک سو و تضعیف رژیمهای سیاسی وابسته به قدرتهای فرامنطقه‌ای از سوی دیگر شده است. این عوامل می‌توانند به تداوم روند مبارزات مردمی و سرایت انقلاب به سایر کشورهای منطقه، از جمله کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمک کنند. همچنین می‌توانند موجب تضعیف هرچه بیشتر نظامهای سیاسی این کشورها و سست شدن پایگاه قدرتهای فرامنطقه‌ای وارد شده در تحولات منطقه شود. علاوه بر آن می‌تواند لزوم ایجاد سامانه امنیتی جدید در منطقه، با اتکاء به توانایی کشورهای منطقه خلیج فارس، بدون دخالت بیگانگان را که همان خواسته اصلی ایران است، فراهم کند.

### نتیجه‌گیری

ایران برغم دارا بودن موقعیت مناسب ژئوپلیتیک و راهبردی و مشارکت فعال در ایجاد سامانه دلخواه امنیتی در منطقه خلیج فارس، همواره با مشکلات و تنگناهای فراوانی مواجه بوده است. بی‌ثباتیهای سیاسی طی سده‌های اخیر در ایران و حضور همیشگی کشورهای استعمارگر بعنوان بازیگران فرامنطقه‌ای، ایجاد ثبات و امنیت پایدار در منطقه را با چالش جدی مواجه نموده است. ایران در اواخر دوران پهلوی و با توجه به خروج نیروهای انگلیسی از منطقه و تصمیم آمریکا به تأثیرگذاری در تحولات جهانی، بدون نیاز به حضور مستقیم، مطابق دکترین نیکسون، بعنوان متحد اصلی آمریکا و یکی از دو ستون تضمین‌کننده ثبات در منطقه خلیج فارس تلقی می‌شد؛ لکن وقوع انقلاب اسلامی در ایران و اتخاذ رویکرد تجدیدنظرطلبانه و آرمان‌گرایانه در سیاست خارجی و به چالش کشیده شدن نظم جهانی و به تبع آن ترتیبات منطقه‌ای برآمده از آن نظام نوپا (برای برقراری ترتیبات امنیتی پایدار و با ثبات در منطقه)، درگیر چالش طاقت‌فرسایی با کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای دارای منفعت در منطقه گردید.

بعد از پایان جنگ، بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد، اما هنوز تلاش برای ایجاد یک فضای امنیتی پایدار و با ثبات در منطقه به جایی نرسیده و ایران در همراه کردن کشورهای ساحلی خلیج فارس با مواضع خود بتوفیق چندانی دست نیافته است. دیدگاههای ایران، در مورد لزوم تأمین امنیت منطقه بدون حضور بیگانگان، کاملاً با دیدگاههای اعراب در تضاد است؛ زیرا کشورهای عرب حوزه خلیج فارس حضور بیگانگان را نه تنها تهدید تلقی نمی‌کنند، بلکه مؤثر هم می‌دانند.

آنان حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای را با اشاره به تهدیدات عراق در سالهای نخستین استقلال کویت (دهه ۱۹۶۰م)، که حمایت انگلستان، مانع از تجاوز عراق به کویت شد و همچنین حمایت آمریکا از کویت را، در جریان اشغال این کشور، توسط عراق (۱۹۹۰-۱۹۹۱م/۱۳۶۸-۱۳۶۹ش) و نیز فشارهای بین‌المللی به ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ، مثبت ارزیابی می‌کنند (شهبابی، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۸). از طرف دیگر، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس توافقات امنیتی و نظامی گسترده‌ای با آمریکا امضاء کرده‌اند، که آنها را به متحدین اصلی آمریکا، در منطقه تبدیل نموده است. آنان همچنان تحت تأثیر برخی القائات، نسبت به اقتدار ایران، احساس خطر دارند. از طرف دیگر تأکید ایران بر خروج قدرتهای فرامنطقه‌ای با منافع قدرتهای مذکور، سازگار نیست؛ چرا که تحولات منطقه مدتهای مدیدیست که به حضور دول استعمارگر و قدرتهای فرامنطقه‌ای گره خورده است.

### بیداری اسلامی و تضمین موقعیت ایران در منطقه

با آغاز موج جدید «بیداری اسلامی» و «بهار عربی» در برخی از کشورهای اسلامی، از اوایل سال ۲۰۱۱ م/۱۳۸۹ش، تحولات چشمگیری در منطقه رخ داده است و انتظار وقوع تحولات چشمگیرتری نیز وجود دارد. این تحولات می‌تواند موجبات تثبیت موقعیت ایران را بعنوان یک قدرت تأثیرگذار در منطقه تضمین کند. ماهیت اسلامی و ضدغربی اکثر جنبشهای اخیر (شکل‌گیری گفتمانهای سیاسی منبعث از اسلام سیاسی)، موجب بقدرت رسیدن گروههای اسلام‌گرا، در کشورهایی که در آنها انقلاب به وقوع پیوسته مانند



### منابع فارسی کتاب

- الهی، همایون؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس، ۱۳۸۴.
- جعفری ولدانی، اصغر؛ روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور، ۱۳۸۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- شهابی، سیفالرضا؛ شورای همکاری خلیج فارس، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶.
- مجتهدزاده، پیروز؛ خلیج فارس کشورها و مرزها، تهران: عطایی، ۱۳۷۹.
- مجتهدزاده، پیروز؛ کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس: سلسله نوشتاری در جغرافیای خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳.
- نعیمی ارفع، بهمن؛ مبانی شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران: ضرورت برقراری نظام نوین امنیتی در منطقه و ملاحظاتی چند در این راستا، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰.
- نورائی، منوچهر و شفاپی، سعید؛ امنیت خلیج فارس گذشته، حال، آینده، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، ۱۳۸۵.
- نیک ضمیر، عباس و حجتی، ایمان؛ امنیت خلیج فارس، راهبردها و فرصتها، تهران: پرسمان، ۱۳۸۲.

وقوع جنگ ایران و عراق و پشتیبانی کشورهای عرب منطقه از رژیم صدام، نقطه اوج این ناهماهنگیها بود. با پایان جنگ تحمیلی و اتخاذ رویکرد تنش زدایی در سیاست خارجی ایران و همچنین اشغال کویت توسط عراق، زمینه برای همکاری بیشتر بین ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس مهیا شد.

اختلاف نظر ایران با کشورهای منطقه به خاطر مخالفت با حضور بیگانگان، در تریبات امنیت منطقه و ادعای امارات متحده عربی در قبال مسئله جزایر سه گانه ایرانی، از مواردیست که اجازه حل و فصل کامل اختلافات متقابل را نمی دهد.

با آغاز موج جدید خیزش اسلامی (که احتمال گسترش آن در کشورهای دیگر منطقه هم می رود) و نیز تقویت موج اسلام خواهی و غرب ستیزی و نیز تضعیف رژیمهای اقتدار گرای همسو با غرب، همچنین با روی کار آمدن نظامهای سیاسی اسلام گرا و مستقل شدن کشورهای منطقه، می توان به ایجاد سامانه امنیتی جدید در منطقه بدون دخالت بیگانگان، که مدنظر ایران نیز می باشد، امیدوار بود. تحقق این امر، بی شک، متضمن افزایش نقش ایران در تثبیت امنیت منطقه خواهد بود.

## مقاله

- لطفیان، سعیده؛ «چالشهای جدید امنیتی در خلیج فارس: مثلث ایران و آمریکا شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره اول و چهارم، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶.

- ابراهامیان، ارواند؛ «محور ایمنی: نمودی از کشاکش بین ایران و ایالات متحده»، فصلنامه سیاست خارجی، ترجمه احمد صادقی، شماره دو، ۱۳۸۴.

- محمدی، یدالله؛ «همگرایی در خلیج فارس»، مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، جلد اول، ۱۳۸۳.

- اسدی، بیژن؛ «آمریکای نظم نوین جهانی و امنیت خلیج فارس»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس: دورنمای صلح و ثبات در خلیج فارس و دریای عمان، تهران: دفتر مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۷۳.

- نوازی، بهرام؛ «کاربرد ابزار تحریم اقتصادی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۸۴.

- افتخاری، اصغر؛ «نشانگان امنیت در سیاست خارجی حجت‌الاسلام خاتمی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره اول، ۱۳۸۳.

## منابع لاتین

- Herzog, Serge; Armsoil and Security in the Golf: A Tenuous ba lance ST. Martins Press Inc New York N.Y "Chong and Development the Golf.

- امیراحمدی، هوشنگ؛ «ایران و خلیج فارس: دیدگاهها و مسائل راهبردی»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۷۳.

- Lotfiyan, Saeideh; Maritime Security in Persion Gulf In Ravi Vonra and Devbrat Chokraborty, Eds Maritime Dimensions Ojo New World Orde: New Delhi, 2007.

- جعفری ولدانی، اصغر؛ «تاریخچه حاکمیت ایران در خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره بیست و نهم، ۱۳۸۱.

- Ramezani, R.K "Iran Policy: Both North on South", Middle East Institutute, No.3, summer, 1992.

- حافظیان، محمدحسین؛ «روابط ایران و کشورهای عربی خلیج فارس: چشم‌اندازهای آینده» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره دوم، ۱۳۸۸.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۶.

- طارمی، کامران؛ «دیدگاهها و سیاستهای ایران در مورد امنیت در خلیج فارس: خاستگاههای تحولات و ناکامیها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره هفتاد و یکم، ۱۳۸۵.